

## عملیات روانی از منظر فقهی

رعایت عدالت در انجام امور واجب است حتی اگر طرف مقابل در بی عدالتی باشد. البته اگر منکر به نحوی است که نظام و مسلمان‌ها را در خطر قرار داده، راهی برای جلوگیری از آن نیست مگر اجرای عملیات روانی و در حقیقت منکر از کاری ساده و فردی فرارفته و مبدل به هجوم علیه کیان اسلام و مصالح مسلمین گشته در این صورت به دلیل انطباق عنوان هجوم بر اسلام دفع آن واجب است که اگر دفع آن متوقف بر عملیات روانی باشد، در این صورت باید با رعایت جوانب مختلف و رعایت ضرورت‌ها و حداقل‌ها آن را انجام داد.



یکی از اصطلاحاتی که به تازگی در ادبیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مطرح شده است و در سال‌های اخیر بارها از سوی روشن‌بینان و آگاهان سیاسی، به خصوص رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) به آن توجه شده است، واژه‌ی «جنگ نرم» و به دنبال آن تأثیر عملیات روانی بر آحاد جامعه است. جنگ نرم و یا عملیات روانی امروزه مؤثرترین، کارآمدترین، خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه ارزش‌ها و امنیت ملی یک کشور است. زیرا می‌توان با کمترین هزینه و با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به اهداف مورد نظر رسید. هرچند اصطلاح «**جنگ نرم**» اصطلاحی نوپدید در ادبیات سیاسی جهان است؛ اما جنگ نرم و مفاهیم همسان آن قدمتی به اندازه‌ی حیات بشری دارد. می‌توان ابلیس را به عنوان اولین بازیگر جنگ نرم معرفی کرد. چون بدون استفاده از هرگونه سلاح و زور و اجباری آدم (علیه‌السلام) و همسرش، حوا (سلام الله علیها) را اغوا کرد و با فریب آن‌ها را از بهشت برین بیرون راند. البته قدیم‌ترین روایت درباره جنگ نرم با استراتژی بشری را به نبرد کیدئون با ماد نسبت می‌دهند که در این جنگ، سپاهیان کیدئون با افزایش چندین برابری مشعل‌های لشکریان، باعث فریب و ترس مادها شدند و در نتیجه بدون هیچ درگیری به پیروزی دست

یافتند. با وجود این، جنگ نرم و در راستای آن، عملیات روانی با مختصات تئوریک و اصطلاح امروزی خود، پس از آغاز جنگ سرد و در اوج آن یعنی در دهه‌ی ۱۹۷۰ با مشارکت استادان برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات از جمله جوزف نای، هارولد لاسول، جان کالینز، اعضای برجسته‌ی آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و فرماندهان ارشد پنتاگون، با تأسیس مرکزی زیر عنوان (کمیته خطر جاری) طراحی، تدوین و عملیاتی شد که مهم‌ترین هدف آن بمباران تبلیغاتی علیه بلوک شرق و به‌ویژه شوروی بود. در ظاهر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کمیته به (کمیته‌ی صلح جاری) تغییر نام داد و همچنان فعال است. از جمله دلایل استفاده‌ی قدرت‌های استعمارگر از جنگ نرم عبارت است از: ارزان بودن، بدون تلفات انسانی بودن، اثرگذاری بالا و تداوم، نبود فشار افکار عمومی، نداشتن مشکلات حقوقی و قضایی، چپاول و غارت بدون حضور فیزیکی، مبارزه با عقاید و فرهنگ ملت‌ها، استفاده از نیروهای خودی، آشکار نبودن مواضع، ابزارآلات و نحوه‌ی عملکرد دشمن و عدم مرزبندی مشخص است. نگارنده در این پژوهش بر آن است تا به مبانی نظری جنگ نرم و اصول آن از دیدگاه اسلام پرداخته و به شناخت مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اثرگذار عملیات روانی از دیدگاه فقهی بپردازد و به پرسش‌هایی چون منظور از عملیات روانی چیست؟ ابعاد مختلف آن چیست؟ و روش‌ها و ابزار عملیات روانی کدام‌اند؟ پاسخ دهد.

جنگ در طول تاریخ همواره وجود داشته است، چنان که می‌توان با مطالعه اجمالی تاریخ بشر و تاریخ انبیاء الهی دریافت که دشمنان انبیا و دشمنان بشریت تلاش کرده‌اند مخاطبان انبیا را در غفلت، جهل و برداشت‌های نادرست نگه دارند و با تحریف واقعیت‌ها، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی اهداف شیطانی خود را بر جوامع حاکم کنند. از این نظر می‌توان سابقه تاریخی جنگ نرم را طرح کرد. شایعه‌سازی، دروغ‌پراکنی و تلاش برای باورپذیری شایعه و دروغ از طریق تواتر، تکرار و همچنین اهانت، ترور شخصیت، سبک شمردن و تحقیر پیامبران الهی و پیروان آنان، از جمله موضوعاتی است که رویکرد سران اردوگاه نظام سلطه علیه جوامع بشری به جنگ نرم را نشان می‌دهد که تأثیر روانی بر جوامع نیز به بار آورده است. کفار و منافقین در عرصه رویارویی با پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) از طریق برخوردهای توهین آمیز، تمسخر، دروغ‌پراکنی، تحریف واقعیت‌ها و جابجایی حق و باطل برای شکستن عزت و قداست ایشان و به منظور دور کردن پیروان از ایشان و در نتیجه ایجاد ضعف و سستی در اردوگاه مسلمانان نیز اقدام کرده‌اند که رویکرد دشمنان اسلام در رویارویی با مسلمانان بر عملیات روانی و به نوعی جنگ نرم تمرکز داشته و این رویکرد و روش همواره مورد توجه دشمنان اسلام علیه جوامع اسلامی بوده است. اما در دوران معاصر به دلیل پیچیدگی‌ها و تحولات اجتماعی این رویکرد با ظرافت و پیچیدگی‌های خاص خود دنبال می‌شود. بر این اساس ضمن این که می‌توان گفت رویکرد عملیات روانی هم سابقه تاریخی داشته و هم در دوران معاصر سران کاخ سفید و غرب با تمرکز بر

تفکر لیبرال دموکراسی و تلاش برای غلبه آن همواره به این رویکرد علیه جوامع اسلامی توجه کرده و بحث و کاوش کرده‌اند.

### پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی: مبانی و اصول عملیات روانی از نظر اسلام و فقها چیست؟

### پرسش‌های فرعی:

1. مبانی نظری عملیات روانی از نظر فقهی چیست؟
  2. اصول جنگ نرم در اسلام چیست؟
  3. مصادیق و جایگاه شرعی عملیات روانی در صدر اسلام چه مواردی است؟
- ضرورت تحقیق: نظر به اهمیت و اثرگذاری جنگ نرم بر روند زندگی شهروندان و پیامدهای ناشی از آن که تأثیر مستقیمی بر جوامع انسانی و آینده آن‌ها خواهد گذاشت، شناخت اصول و مبانی عملیات روانی را در جامعه پررنگ خواهد کرد. این موضوع ضرورت آمادگی برای مقابله با این امر، و بحث اهمیت انجام این پژوهش را کامل پوشش می‌دهد.

### اهداف تحقیق

- |       |        |        |        |       |        |        |       |        |        |        |    |        |       |        |
|-------|--------|--------|--------|-------|--------|--------|-------|--------|--------|--------|----|--------|-------|--------|
| بررسی | ابعاد  | مختلف  | عملیات | روانی | از     | دیدگاه | فقهی؛ |        |        |        |    |        |       |        |
| بررسی | مفهوم، | تأثیر  | و      | ابعاد | مختلف  | جنگ    | نرم؛  |        |        |        |    |        |       |        |
| بررسی | اصول   | عملیات | روانی، | اعم   | از     | معاملی | بودن  | عملیات | روانی، | امضایی | یا | تأسیسی | بودن، | و ...؛ |
| بررسی | مصادیق | عملیات | روانی  | در    | صدر    | اسلام  |       |        |        |        |    |        |       |        |
| بررسی | مصادیق | عملیات | روانی  | از    | دیدگاه | فقهی   |       |        |        |        |    |        |       |        |

در آیین مقدّس اسلام، رفتار و گفتار فرد مسلمان در چارچوب احکام خمسّه‌ی فقه شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و مباح بودن تبیین می‌شود. انسان مسلمان در هر یک از رفتارهای فردی و اجتماعی از گستره‌ی قواعد احکام شرعی بیرون نیست و همچنان که در حقوق فردی ملزم به پیروی از قواعد و اصول شرعی است، در روابط با افراد، گروه‌ها و جامعه ناگزیر از رعایت قوانین و مقررات شرعی است. از این رو، در اجرای عملیات روانی، همچون سایر موارد، تطبیق رفتار و گفتار با قواعد فقهی ضروری است. هنگامی که در

جامعه درباره جنگ روانی یا عملیات روانی سخن گفته می‌شود، اگر افراد تصویری آمیخته با شعبده‌بازی و تردستی از آن نداشته باشند، دست کم آن را بر مبنای تجربه‌ها و خواننده‌ها و شنیده‌های تاریخی خود درک می‌کنند که آن هم نمونه‌های ساده و سنتی هستند. با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و گسترش روابط بین‌الملل، تأثیر تبلیغات و عملیات روانی بر فرهنگ‌ها و نگرش‌های اجتماعی کاملاً ملموس بوده و به عنوان حربه‌ای برای تغییر افکار عمومی استفاده شده است. به همین منظور کشورهایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند، اکنون از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند. این در حالی است که جوامعی که به علل گوناگون کاستی‌هایی در زمینه‌های مادی و معنوی دارند، آسیب‌پذیرتر بوده و مورد هجوم تبلیغاتی کشورهای توسعه یافته قرار می‌گیرند. یکی از ابزارهای مورد استفاده کشورهای توسعه یافته و یا آن گروه از دولت‌ها که با هم تخصصاتی دارند، تبلیغ و استفاده راهبردی از آن برای دستیابی به اهداف خود و منزوی کردن کشور مقابل است، به همین دلیل امروز دستگاه‌های تبلیغی و سیاسی در شرایطی قرار گرفته‌اند که عملیات آن‌ها با عنوان جنگ‌های روانی یا عملیات روانی بررسی می‌شود. امروزه این نوع جنگ از کارآمدترین، پویاترین و در عین حال خطرناک‌ترین جنگ‌ها محسوب می‌شود، کشورهای جهان تلاش دارند تا با آماده‌سازی سیستم‌ها، امکانات و نیروی انسانی خود با پیشرفته‌ترین و پیچیده‌ترین ابزار و تجهیزات به رویارویی و نیز خنثی‌سازی جنگ‌های روانی بپردازند. در دنیای امروز، جنگ‌های روانی به عنوان حربه‌ای برای تسلط بر افکار عمومی به کار می‌رود، هرچند که این نوع جنگ‌ها به عواملی بستگی دارد و تا کشور یا ملتی آمادگی پذیرش بحران را نداشته باشد، زیر تأثیر آن قرار نمی‌گیرد، ولی اقدامات دیگر دولت‌ها در بروز این بحران‌ها را نباید نادیده گرفت. وقتی جامعه‌ای بی‌ثبات شده و انسجام اجتماعی در آن ضعیف گردید، میل به تغییر در آن تشدید می‌شود و همین وضع، فرصتی پیش می‌آورد تا افکار تازه در آن جامعه تقویت شود.

در این شرایط، به کارگیری جنگ روانی و در برخی موارد، و استفاده هم‌زمان از نیروهای مسلح در عملیات روانی، سرعت تغییر و پذیرش را دوچندان خواهد کرد. به همین منظور، آمادگی ذهنی و روانی و شکستن مقاومت فکری یک جامعه برای نفوذ در آن، چه توسط دولت خودی یا دولت بیگانه، ضروری‌ترین عامل پیروزی در یک جنگ روانی است. البته عوامل ذهنی و عینی و محیطی که بدون آن‌ها جامعه فاقد هویت اجتماعی است نیز می‌تواند منشأ بروز اختلافات و جنگ‌های روانی و نظامی باشد. موفقیت در عملیات و جنگ‌های روانی تنها منوط به این عوامل نیست، بلکه بایستی به مدیریت برنامه‌ریزی و کارآیی و اثربخشی آن‌ها نیز توجه داشت، زیرا موفقیت در جنگ روانی در سایه طراحی و برنامه‌ریزی دقیق به دست می‌آید. جنگ روانی که بر پایه تبلیغات استوار است، از خطرناک‌ترین و مخرب‌ترین نوع جنگ‌هاست. زیرا اندیشه، بینش، عقل و در نهایت رفتار نیروهای درگیر و یا مخاطبان را مورد هدف قرار می‌دهد. جنگ روانی در جهان امروز چهره‌ای بسیار پیچیده به خود گرفته، به گونه‌ای که جزئی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای

مختلف گشته و سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از شیوه‌های روانی گوناگون نقش اساسی در هدایت و کنترل آن به عهده دارند.

## پیشینه عملیات روانی

برخی پیشینه استفاده از عملیات روانی را به نبرد گیدئون با میدیانیت‌ها (مادها) در حدود سال ۱۲۵۴ ق.م، نسبت می‌دهند. در این نبرد گیدئون برخلاف رسوم نظامی زمان خود که هر دسته‌ی صد نفره یک مشعل داشتند، به هر یک از سپاهیان مشعلی داد. او با این زیرکی این توهم را در ذهن دشمن ایجاد کرد که تعداد افرادش، صد برابر میزان واقعی است. در نتیجه توانست بدون هیچ درگیری به پیروزی دست یابد، ولی باید گفت تاریخچه عملیات روانی، به اعصار قدیمی‌تر از پیدایش انسان بازمی‌گردد و پیش از "اقدام و عملیات نظامی"، بشر از آن استفاده کرده است. قرآن کریم وقتی داستان هبوط آدم و حوا به زمین را نقل می‌کند، به این مسئله اشاره می‌کند که در اولین درگیری روی زمین یعنی درگیری فرزندان آدم پیش از آغاز اقدام و عملیات نظامی (تصمیم قابیل به قتل هابیل) عملیات روانی از سوی قابیل انجام یافت تا هابیل را از مسیر خود جدا و منحرف کند. اما هنگامی که عملیات روانی او مؤثر نیفتاد، به قتل او اقدام کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ"؛ آدم را به درستی بر ایشان بخوان، هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانی‌ای پیش داشتند. پس، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل] گفت: حتماً تو را خواهم کشت. او گفت: خدا فقط از تقوایپیشگان می‌پذیرد (مائده/۲۷). در داستان درگیری دو فرزند آدم، گفته‌اند که درگیری ناشی از انتخاب جانشین برای آدم بوده است. خدای متعال هابیل را به آدم معرفی کرد تا میراث نبوت را به او وصیت کند (حویزی، ۱۴۱۲ ق، ۵۹۶). او دستور خدا را اطاعت کرد. قابیل بر این انتخاب اعتراض کرد و به پدر گفت: من فرزند بزرگ‌تر هستم و باید وصی شما باشم. آدم فرمود: این دستور خدا است؛ اگر باور نداری برای خدا قربانی بیاورید؛ از هر یک پذیرفته شد او وصی من است. آن دو قربانی آوردند. قربانی هابیل پذیرفته شد. قابیل در رسیدن به مقام امامت از راه پدر ناامید شاد و تلاش کرد تا هابیل را از گرفتن وصایا منصرف نماید. از این رو، به عملیات روانی روی آورد و او را به قتل تهدید کرد. «قال لأقتلنک» تو را خواهم کشت. در این تهدید، ملاحظه می‌شود که قابیل با ارسال اطلاعات تهدیدآمیز، در پی تأثیر برانگیزه و پذیرش هابیل درباره وصایا برآمد. فرزند آدم اگر با این عملیات روانی صحنه را ترک می‌کرد، قابیل به هدف خود می‌رسید. اما هابیل در رویارویی با این صحنه، تلاش کرد او را از تصمیم خود بازگرداند. از این رو گفت: "إِنِّي بَسَطْتُ إِلَيْكَ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ"؛ اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستم را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم، چرا که من از خداوند، پروردگار

جهانیان می‌ترسم (مائده/۲۸). این نخستین عملیات روانی و مقابله با آن روی زمین و بین انسان‌ها است. گو این‌که پیشینه‌ی عملیات روانی درباره بشر با نگاهی دیگر، به پیش از این تاریخ بازمی‌گردد و آن "عملیات روانی شیطان علیه آدم" می‌باشد. این جریان پیش از هبوط او به زمین و در آنجا که نام "بهشت" یا باغ را داشت روی داد. شیطان آدم را تنها با عملیات روانی از آن جنت بیرون ساخت؛ نه با عملیات فیزیکی! قرآن در این باره می‌فرماید: "فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى؛ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى؛ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى؛ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى؛" بس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و مُلکی که زایل نمی‌شود، راهنمایی کنم؟ آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ‌های بهشت بر خود. و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت؛ سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشد و [وی را] هدایت کرد؛ فرمود: همگی از آن [مقام] فرود آید، در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است، پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد، هر کس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که پیشینه عملیات روانی به قدمت آفرینش بشر است؛ هر چند عملیات نظامی از قدیمی‌ترین اقدامات بشری است، لیکن می‌توان گفت: پیش از اینکه بشر نخستین عملیات فیزیکی را انجام دهد به عملیات روانی پرداخت (طه / ۱۲۰ تا ۱۲۳).

### پیشینه‌ی تدوین دانش عملیات روانی در فقه

بر این اساس به این نتیجه رسیدیم که قدمت عملیات روانی بیش از عملیات فیزیکی است، ولی همان‌گونه که عملیات فیزیکی به تدریج مدون شده و به دانش‌های بشری و کرسی‌های تدریس راه یافته است؛ عملیات روانی نیز به تدریج شناخته شده و درباره آن تدوین، تألیف و تدریس صورت گرفته است. بیش از یک قرن نیست که از زمان تدوین و شکل‌گیری دانش عملیات روانی در قالب دروس جدید می‌گذرد. به ظاهر بحثی مدون و روشمند با این عنوان پیش از قرن نوزدهم میلادی مطرح نبوده است. از این‌رو، عملیات روانی اگر چه در مصادیق و راهکارهای آن در شریعت اسلام قابل شناسایی و تعریف است. اما به دلیل تعریف نشدن آن در زمان شارع، نمی‌توان تعریف مورد امضای او را مستقیم به دست آورد، بلکه در آغاز باید طبق تعریفی جامع از عملیات روانی به اصول و کلیاتی که از شارع مقدس در ابواب گوناگون و متناسب فقهی وارد شده رجوع و احکام آن را استنباط کرد. البته تعاریفی مختلف از عملیات روانی عرضه شده که تأثیر بر باورها، افکار و احساسات را مدنظر قرار داده‌اند. اما بررسی مصادیق عملیات روانی در اردوگاه صاحبان این تعاریف، حاکی از آن است که مقصود همه‌ی آن‌ها تأثیر بر هیجانات، احساسات و عواطف است تا بتوانند از این طریق افکار و تمایلات طرف مقابل

را بر اساس خواسته‌های خویش شکل و جهت دهند و آن‌ها را با خود و اهدافشان همراه سازند. در تعریف عملیات روانی باید مفردات این اصطلاح شناخته شود؛ پس دو کلمه مورد تأمل و دقت قرار می‌گیرد:

الف. عملیات

روانی

ب.

### تعریف عملیات:

عملیات در اصطلاح خاص نظامی، هنگامی استفاده می‌شود که برای تسلط بر منطقه‌ای خاص یا منافع معین، ستیز و نبرد به وجود آید. گاه عملیات "تهاجمی" است یعنی تصمیم بر تسخیر است و گاهی "دفاعی" که برای جلوگیری از تسخیر ناحیه توسط نیروی مهاجم انجام می‌گیرد.

### تعریف روانی:

مقصود از کلمه "روان" در این تعریف، اندیشه و فکر است که مبنای تصمیم و عمل قرار می‌گیرد. روانی یعنی آنچه به فکر و اندیشه مربوط می‌شود. اصل مسلم این است که اقدامات انسان‌ها بر اساس تصمیمی است که از مقدمات فکری ناشی می‌شود. هر اقدامی که از هر انسان عاقلی سر می‌زند، بر اساس تصویرها و تصدیق‌هایی است که پیرامون آن برای او حاصل گشته، او را به "تصمیم بر اقدام" می‌رساند. همچنین اصل مسلم است که انسان‌ها برای دستیابی به منافع و یا گریز از مفاسد، اقدام به اعمال می‌کنند و هر عملی را که انجام می‌دهند با مقدمات فکری به این نتیجه رسیده‌اند که برای آن‌ها جلب منفعت می‌کند یا آن‌ها را از مفسده‌ای دور می‌دارد. بر این اساس اعمال و رفتار انسان‌ها به الزام مترتب بر تصمیمی است که ناشی از مجموعه افکار و باورها است؛ باورهایی که سبب این گزاره می‌شود که برای مثال «این عمل برای او ارزشمند و لازم‌الاجراست». مقصود از کلمه‌ی روانی همین مجموعه‌ی افکار و اندیشه‌های تصمیم‌ساز در انسان است. البته افراد هر قدر دارای منافع بیشتری باشند، اقداماتی پیچیده‌تر انجام می‌دهند که ناشی از پیچیده‌تر شدن افکار و اندیشه‌ها در آن‌هاست.

### جایگاه شرعی عملیات روانی (اسلام)

اکنون پرسش درباره تعریف عملیات روانی از نظر اسلام است. در معارف و آموزه‌های اسلام، عملیات روانی چه جایگاهی دارد؟ دیدگاه پیشوایان دین مبین اسلام درباره آن چه بوده است؟ در دوران حاضر آیا می‌توان در اقدامات فردی یا اجتماعی، دست به عملیات روانی زد؟ در توضیح این مطالب باید گفت که مفاهیم شرعی در

اسلام در دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند (مطهری ۱۳۶۶، ج ۳، ص: ۱۱۸).

الف: عبادات

ب: معاملات

### تعریف امور عبادی:

مفاهیمی که در شرع مقدس اسلام آمده، گاه از سنخ احکام و گاه از سنخ حقوق است. احکام نیز، گاه احکام عبادی است و گاه احکام معاملی. احکام عبادی آن دسته از احکام است که باید به دستور شارع بدان توجه داشت و به این خاطر که او امروز فرموده، مکلف باید به دقت، تصمیم مورد درخواست شارع را به جای آورد. یعنی خود عمل به تنهایی مورد توجه نیست، بلکه عمل با عنوان این که خدا خواسته، مورد طلب او است و باید برای او انجام شود. از دیگر سو، مفاهیم شرعی، طبق تقسیمی دیگر یا تأسیسی هستند (موقوف به اختراع شرعی می‌باشند) و یا امضایی (مفهوم رایج بین مردم که مورد تأیید شرع قرار می‌گیرد). در باب عبادات اصل بر تأسیس است. یعنی شارع و صاحب دین اموری را ارائه کرده، که مکلفین را به انجام یا ترک آن مأمور می‌سازد. پس اگر دستور یا نهی شریعت وجود نداشت، عامه مردم به آن بی‌توجه بودند. این امور از نام تا شرایط و اجزا، از طریق شارع مقدس شناخته می‌شوند. پس طبق ویژگی‌هایی که او ارائه می‌کند، هر عبادت شناسایی می‌شود. برای مثال، نماز که امری عبادی است باید از سوی شارع محترم تعریف و اجزا و شرایطش مقرر گردد. پس لفظ نماز در این باب با تعریفی که شارع ارائه می‌کند، معنا می‌یابد؛ گو این که اصل کلمه نماز در فارسی و صلاة در عربی یا معادل آن در هر زبان دیگری با معنایی خاص رایج است؛ اما هنگامی که به میدان شرع وارد می‌شود آن معنا مورد لحاظ نیست. اگر چه ممکن است در به کارگیری جدید آن معنا نیز مفهوم شود، ولی آن استفاده ضمنی است و ربطی به اصل معنای لغوی ندارد؛ چنان که در مفاهیم روزه، حج و جهاد نیز چنین است و این امور اگر مورد امر و نهی شارع نبود، چه بسا مورد اجرا یا ترک قرار نمی‌گرفت.

### مفاهیم معاملی عملیات روانی در اسلام

آن دسته از قوانین الهی است که خود عمل، مطلوب است و این که برای خدا یا غیر خدا آورده شود در ذات عمل دخالتی ندارد. آنچه مورد طلب او است خود عمل و کار با شرایط و مقررات خاص می‌باشد. اما این که این عمل را برای خدا انجام دهد دخالتی ندارد. امور معاملی به طور معمول از افعالی هستند که اگر دستور شارع



هم نباشد، مردم برای گذران و رفع نیازهای خود آن را انجام می‌دهند. معاملات بین جوامع رایج است و مردم آن را می‌شناسند. این امور اگر با همان شرایطی که بین مردم در حال اجرا است در نظر شارع مقبول باشد، مورد امضای شارع قرار می‌گیرد و اگر شرط یا جزء خاصی در نظر شارع برای صحت آن نقش داشته باشد آن را بیان می‌کند و همراه با آن جزء یا شرط، آن را امضا می‌کند و می‌پذیرد. برای مثال، در میان مردم انواع داد و ستدها رواج دارد. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا»؛ پس خداوند صحت بیع ربوی را تأیید نکرده و برای درست بودن بیع، ربا نبودن را شرط قرار داده است. در هر صورت آن چیزی را که بین مردم رایج است را گرفته و مورد دخل و تصرف قرار می‌دهد. بر این اساس، یا همان معامله‌ی معروف بین مردم را امضا می‌کند یا شرایطی را در صحت آن اضافه نموده یا از آن می‌کاهد؛ اما اصل تعریف، همان مفهوم رایج است. اموری مانند خرید و فروش، ازدواج، قرض، اجاره و جنگ و صلح از این دست هستند (باقری ۱۳۸۴، ج ۲، ص: ۶).

### امضایی یا تأسیسی بودن عملیات روانی

هر آفریده‌ای از هستی و منافع خود در برابر تجاوزات، دفاع می‌کند و این یک قانون عمومی و عقلی و مورد عمل عقلای جهان آفرینش است. دفاع در فطرت آحاد انسان‌ها نهاده شده و همه جوامع و حکومت‌ها به آن عمل می‌کنند و به مبارزه با دشمنان و بدخواهانی که استقلال و منافع آنان را تهدید می‌نمایند، برمی‌خیزند. احکام اسلام بر اساس توحید و فطرت الهی بنا نهاده شده، پس لزوم پیکار و عملیات فیزیکی با دشمنان را امضا کرده است. در اسلام آشکارا دستور جهاد با مشرکان، اهل کتاب (اگر جزیه نپردازند)، اهل بغی و محاربان و دشمنان دین داده شده است. همان‌گونه که عملیات فیزیکی در اسلام با عنوان "جهاد" یا "دفاع" از امور امضایی است، گو این که شارع شرایطی ویژه را برای آن بیان کرده است؛ عملیات روانی نیز از امور امضایی می‌باشد. عملیات روانی بین مردم رایج و دارای تعریف، شرایط و ضوابطی مخصوص است (نمازی ۱۳۶۸، ج ۱، ص: ۷۶).

### گستره‌ی عملیات روانی در اسلام

آنچه باید مورد تحقیق قرار گیرد این مطلب است که شارع مقدس آن را چگونه مورد امضا قرار داده است؟ آیا عیناً همان مفهوم عملیات روانی را که در نزد مردم و سیاست‌مداران جوامع معروف است، پذیرفته یا برخی قیود و شرایط به آن افزوده است؟ اگر قیودی افزوده باشد، دخل و تصرف شارع در تعریف، اجزا و شرایط تا چه میزان است؟ برای پاسخ به این پرسش‌های اساسی، لازم است تعریفی دقیق از عملیات روانی عرضه شود تا معلوم گردد شارع آن را مورد امضا قرار داده یا شرط و جزئی را بر آن افزوده یا کاسته یا به همان شکل قبول

نموده و یا از اساس تعریف را تغییر داده است (هویزی ۱۴۱۲، ج ۱، ص: ۲۲۸).

## عنوان مستحدث

برخی عناوین معاملات در زمان شارع نیز جریان داشته که می‌توان درباره امضا یا عدم امضای آن با سکوت و بیان شارع نتیجه گرفت. اما برخی عناوین جدید بوده، و پس از شارع رایج شده است. در این صورت در امضا کردن یا امضا نکردن آن نمی‌توان به سکوت و بیان مستقیم شارع تمسک جست. پس باید در این باره از دیگر عنوان‌هایی که بر عنوان نوپیدا انطباق دارد، استفاده کرد و حکم را به دست آورد (مازندرانی، ج ۱۲، ص: ۱۵۲). آیا عملیات روانی از عناوین قدیم است که در زمان شارع مورد استفاده بوده یا عنوان مستحدث و نوپیدا است؟

## تفاوت آموزش و عملیات روانی

تا اینجا پذیرفتیم در عملیات روانی، مفاهیم و اطلاعات غیر واقعی به طرف مقابل عرضه می‌شود تا از راه ایجاد جاذبه‌های هیجانی و تحریک احساسات و جذاب عواطف، باورها و نگرش‌ها، رفتار وی به سوی دلخواه تغییر یابد. تأثیر بر انگیزه‌ها، عواطف و رفتار طرف مقابل (از راه ارسال مفاهیم غیرواقعی) پیامد عملیات روانی است. ممکن است این پرسش طرح شود که در این صورت چه تفاوتی میان عملیات روانی و آموزش وجود دارد؟ اگر اثر آموزش و عملیات روانی، تأثیر بر افکار، امیال و عقاید است تا رفتار را شکل دهد و به هدف مطلوب هدایت کند، پس چه تفاوتی میان این دو وجود دارد؟ برای مثال در عملیات روانی رسانه‌های غربی علیه جهان اسلام، از راه عوامل محرک مانند ارائه تصویر رؤیایی از شهرها و انسان‌های غربی و درشت‌نمایی مفاهیم قابل احترام، مانند نظم یا تکامل علمی و فناوری، در کنار ترسیم چهره ناپسند از اسلام و مسلمانان، سعی می‌کنند فرهنگ اسلام و رسوم بومی ملل مسلمان را تضعیف و فرهنگ استکباری خود را جایگزین کنند. یک جوان تحصیل کرده که شیفته غرب می‌شود، امیال و عقایدش آن قدر تحریک شده که نگرش‌ها و باورهای جدید، او را وادار به بروز رفتاری غرب‌گرایانه و مرعوب از فناوری و سیاست کشورهای غربی می‌نماید، در نتیجه، ناخودآگاه غرب را معدن و خاستگاه هرگونه تکامل و پیشرفت می‌داند و فرهنگ اسلامی خود را مانع پیشرفت قلمداد می‌کنند؛ در نتیجه حکم حجاب را تحجّر، غیرت را حسادت و روحیه استقامت و پایداری در برابر چپاول‌گری‌های زورمداران را بی‌منطقی می‌خواند. در رفتار به بی‌حجابی و اختلاط مفرط تمایل پیدا می‌کند، ناموس خود را در معرض دید و ... قرار می‌دهد و با هرگونه سازش خفت‌باری کنار می‌آید. در حالی که در آموزش به طور معمول، اعتماد بر اطلاعات واقعی و علمی است. اما در عملیات روانی اصل بر ارائه مطالب غیرواقعی و مخلوطی از حق و باطل یا مفاهیم باطل محض است. البته ممکن است آموزش نیز ابزاری برای عملیات روانی قرار گیرد؛ به این معنا که با وارد ساختن آموزش در مسائل فنی، علوم انسانی یا دیگر علوم، این‌گونه القا کنند که دانش‌آموختگان

یک کشور توان خودکفایی در فراگیری را ندارند و تا ابد باید وابسته به مدرسان و آموزش‌گران کشوری دیگر باشند. در اینجا در آموزش همان مطالب اصلی و مفاهیم واقعی و علمی بیان می‌شود. اما نفس این آموزش در خدمت عملیات روانی برای دستیابی به هدفی دیگر است. قبول یا رد عملیات روانی بر اساس تعریف موجود نمی‌تواند مورد تأیید شریعت اسلام باشد. دین اسلام با این تعریف وارد میدان چنین عملیاتی نمی‌شود. چون غایت دین، تأثیر بر عقل، خرد و اندیشه بشر و هدایت آن به وارد شدن در میدان تدبیر و تعقل است. چنان‌که قرآن می‌فرماید: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ"؛ پیامبرانمان را با برهان‌های روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی سخت و سودهایی برای مردم است و تا خداوند معلوم دارد چه کسی در نهان، او و پیامبران را یاری می‌کند بی‌گمان خداوند توانمندی پیروزمند است (توبه/۳۳). اصل در حرکت همه پیامبران (علیه‌السلام) همین است و اختصاصی به پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ندارد. خدا می‌فرماید: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ"؛ همانا پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آن‌ها کتاب و میزان فرستادیم تا مردم قیام به قسط نمایند (حدید/۲۵). "بیّنات" برای تبیین علمی و یقینی است. خدای متعال پیامبر را با (شعبده) و (جادو) و دیگر اموری که تأثیر بر وهمیات، یا مخیلات، مردم داشته اعزام نمی‌کند، بلکه با اموری یقینی و روشن‌گر مأمور می‌کند. گرایش به پیامبران الهی هرگز نباید بر اساس عواطف و احساسات قبیله‌ای عاطفه‌ای و خانوادگی باشد، بلکه پیامبر با اموری همراه می‌شود که اگر کسی با خرد و عقل منصفانه به آن نگاه کند پیرو او خواهد شد. چنان‌که وقتی خدای متعال، پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را به دعوت خویشان و نزدیکان خود مأمور می‌سازد می‌فرماید: وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ، فامیل نزدیک خود را انداز ده (شعراء/۲۱۴). "انذار" یا بیم یعنی بیان واقعیت‌هایی که موجب خروج انسان از غفلت می‌شود. اصل انذار به معنای اعلام است. یعنی آگاه ساختن؛ گو این‌که در اطلاع‌رسانی نسبت به اموری به کار می‌رود که موجب احتیاط و حفاظت می‌شود. مأموریت پیامبران الهی تعلیم کتاب و حکمت است؛ چه در تربیت فردی و چه در مسائل اجتماعی در همه ابعاد آن اعم از جنگ و صلح. حرکت مؤمنین باید بر اساس بینش، دانش، معرفت و بصیرت باشد. چنان‌که می‌فرماید: "قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي"؛ بگو این راه من است که من و پیروانم با بینش همه را به سوی خدا می‌خوانیم (یوسف/۱۰۸). ولی حرکت بر اساس احساسات و عواطف و به دور از عقل و خرد در شریعت اسلام مذموم و مردود است. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ و چیزی را که بدان عالم نیستی پیروی مکن (اسراء/۳۶).

بر این اساس، در توصیف نیروی مقابل، آن‌ها را به گمراهی توصیف و علت آن را پیروی از امور احساسی و دور از علم و خرد بیان می‌کند. وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ؛ بسیاری از اهل زمین را اگر پیروی نمایی، تو را از راه خدا گمراه می‌سازند؛ آن‌ها تنها از گمان

پیروی می‌کنند و آن‌ها تنها تخمین می‌زنند (انعام، ۱۱۶). در آیه‌ای دیگر دشمن را به دلیل گمان‌ورزی از حقیقت دور می‌داند. وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ؛ بیشتر آن‌ها پیرو گمان هستند در حالی که گمان از حق بی‌نیاز نمی‌سازد، همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند دانا است (یونس/۳۶). بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ بلکه ستم‌پیشگان بی‌هیچ دانشی از هوس‌های خود پیروی کردند (روم/۲۹). وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و برخی از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را می‌خرند تا بی‌هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و آیات الهی را به ریشخند گیرند برای آن‌ها عذابی خوارکننده خواهد بود (لقمان/۶). اسلام همگان را به فراگیری دانش دعوت، و جهل و نادانی را نکوهش می‌کند. قرآن مردم را به تفکر در آفرینش آسمان و زمین و موجودات آن‌ها و تاریخ گذشتگان و گردش جهان طبیعت دعوت می‌کند. علت این امر، حقانیت و جامعیت آموزه‌های اسلام است. اسلام چون به حقانیت خود اعتماد دارد، هیچ مفهوم مبهم یا دستورالعمل تاریکی را در خود نمی‌بیند. از این‌رو، هیچ مطلب حق و شایسته‌ای را از مسلمانان نمی‌پوشاند. از سویی به مسلمانان دستور داده درباره‌ی حقایق و علوم و اسرار آفرینش بیندیشند و هرگز در ابهام، قدمی پیش نگذارند و اگر کوچک‌ترین نکته مبهم یا شبهه‌ناکی پیش روی آنان قرار گرفت، توقف کنند. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ یعنی چیزی را که به آن علم نداری، دنبال نکن (اسراء/۳۶). دعوت اگرچه به سوی حق باشد، اما اگر راه دعوت با تاریکی جهل آمیخته شود، دیگر دعوت به حق انبیاپی نیست و از مسیر اسلام بیرون است. نه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و نه پیروان او حق ندارند در راهی که ناآگاهی را ابزار قرار می‌دهد پیش روند. چنان‌که می‌فرماید: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ"؛ مؤمنین کسانی‌اند که به خدا و پیامبر ایمان آورند و تردیدی به خود راه ندهند و با مال و جان خویش در راه خدا تلاش کنند، تنها اینها راستگویانند (حجرات/۱۵).



در این مقاله درصدد پاسخگویی به پاره‌ای از پرسش‌های فقهی مانند ذیل هستیم که ممکن است برای مجری و کارگزار عملیات روانی طرح شود:

### **1. جبران ضرر وارده به افراد ناشی از عملیات روانی مشروع**

عملیات فیزیکی برای دفاع از تهاجم دشمن، گاه به صحنه‌ای کشیده می‌شود که هیچ حالتی برای ادامه دفاع در برابر حمله نظامی دشمن وجود ندارد مگر آن راهی که موجب وارد آمدن خسارت و زیان به برخی از مسلمانان بی‌دفاع می‌گردد. برای نمونه، در برخی شرایط اضطراری، برای عبور ابزار و ادوات جنگی و رساندن تدارکات به خط مقدم جبهه، به ناچار خانه مسلمانان تخریب می‌شود؛ از تصرف فردی در بخشی از املاکش، خودداری می‌گردد؛ مزرعه کشاورزی به اجبار از بین می‌رود یا درختان باغی قطع می‌شود. عملیات روانی برای خنثی کردن تهدید تبلیغی دشمن گاه با وارد کردن لطماتی به آبرو، حیثیت اشخاص یا گروه‌هایی همراه می‌شود. آیا چنین اقدامی مصداق دفاع مشروع به شمار می‌رود؟ طبق مبانی شرعی، عقلی و عقلایی، حکومت اسلامی و آحاد مسلمانان، وظیفه دارند برای دفع تجاوز دشمن از کیان اسلام دفاع و جهت پیش‌گیری از آسیب‌هایی که مال، جان، آبرو و باورهای مسلمین را تهدید می‌کند اقدام کنند (امام خمینی، ص: ۴۸۵). در حقوق، اگر افرادی که مورد اتهام قرار گیرند، یا ابهامات و ایراداتی توسط مدعی یا اصحاب دعوا بر علیه آن‌ها مطرح شود، از خود دفاع و لایحه دفاعی برای دفع یا رفع اتهام‌ها و ادعاهایی که علیه این افراد طرح گشته،

تهیه می‌کنند (جعفری لنگرودی، ص: ۳۰۲). بی‌شک "دفاع" متناسب با "تهاجم" دشمن صورت می‌پذیرد. اگر حمله، "نظامی" باشد، دفاع "فیزیکی" و اگر هجوم، "روانی" باشد، دفاع به صورت "تبلیغی و اطلاع‌رسانی" صورت خواهد گرفت. با مراجعه به اهمیت و مبانی فقهی الزام و وجوب دفاع، متوجه می‌شویم که در شرایط خاص اگر دفاع در برابر متجاوز، متوقف بر ارتکاب چنین مواردی باشد، آن را ضروری می‌سازد. اما اذن ورود به چنین عرصه‌هایی که منجر به ایراد خسارت‌هایی به اشخاص می‌شود، بدین معنا نیست که خسارت‌دیدگان باید به طور رایگان این ضرر را متحمل شوند، بلکه این موارد از جمله مصارف و مخارج بیت‌المال است و از این محل خسارت‌های یاد شده به این افراد پرداخت می‌شود. عملیات یا مقابله روانی علیه تهاجم نرم دشمن نیز در همین حکم است. اگر در مقابله و خنثی‌سازی تهدید تبلیغی، ضرر و زیانی متوجه مسلمانان شود، بدین ترتیب که بر حیثیت و آبروی او خدشه‌ای وارد گشت، باید به نحو مطلوب و متناسب، جبران و از بیت‌المال مخارج آن پرداخت شود. در حقیقت مرز بین حاکمیت اسلام و کفر در چنین مواردی مشخص، و اهداف و شعارهای حکومت‌ها آشکار می‌شود. حکومت‌های طاغوت و ستمکار، تنها در پی تحکیم قدرت داخلی و خارجی خود هستند و حاکمان چنین نظام‌هایی برای رسیدن به هدف خود از هیچ اقدامی ابا ندارند. در این راه اگر حقوق دیگران ضایع شود برای آن‌ها مهم نیست. در حالی که در حاکمیت الهی تلاش بر این است که جان، مال و حیثیت افراد، حفظ شود و مقررات و امور اجرایی حکومت، حریم‌های ممنوعه را رعایت کند. اگر به حکم اضطرار مجبور به ورود در حریم‌های ممنوع شد آن را در حد ضرورت متوقف ساخته، آنچه را از مرز ضرورت بیرون است، مرتکب نمی‌شود. در قرآن در این باره می‌خوانیم: "وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (۱) و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این رهنمودها اگر مؤمنید برای شما بهتر است.

در نتیجه اگر در تهاجم بر دشمن ایراد ضرر به شکل غیرمستقیم متوجه فردی مسلمان شد و نسبت به آن اضطرار وجود داشت در همین حد که اصل ورود ضرر است، باید متوقف شود و بقیه ضرر، که جبران نکردن ضرر وارد آمده و عدم ادای خسارت مانند است، به آن ضمیمه نشود.

## 2. پایبندی به پیمان‌های جهانی

در اسلام، قواعد متقنی برای تأمین منافع دنیوی مردم نظام اسلامی و چارچوب‌های مشخصی برای رسیدن به سعادت اخروی در عرصه‌های بین‌المللی و تعامل با دیگر دولت‌ها تعیین شده است. این قواعد، اساس و اصول کلان سیاست‌گذاری خارجی حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد و هیچ مدیر یا کارگزاری، بی‌جهت نمی‌تواند در مسیر اجرای برنامه‌های خود در عرصه‌های جهانی، آن را ندیده بگیرد. یکی از این قواعد متقن، وفای به

پیمان‌ها و معاهدات در روابط بین‌المللی است. آیات قرآن درباره لزوم وفا به معاهدات خارجی: این اصل، یکی از اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی در روابط بین‌المللی با دیگر دولت‌ها است که بر اساس آن، نظام اسلامی وظیفه دارد به معاهده‌هایی که با دولت‌های دیگر امضا کرده است، پایبند باشد و پیمان‌هایی را که با جوامع دیگر بسته، تا پایان مدت معاهده، رعایت کند مگر این که طرف مقابل آن را نقض کند (مجلسی، ج ۲، ص: ۶۲). خداوند در قرآن می‌فرماید: "أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا"؛ (۲) به پیمان وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.

در جایی دیگر می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ (۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای وفا کنید. همچنین در آیه ۴ سوره توبه دستور فرموده که معاهده با مشرکان را تا تاریخ تعیین شده ادامه دهید: "إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ"؛ اگر مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید، و چیزی از تعهدات خود نسبت به شما فروگذار نکرده، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند پس پیمان اینان را تا پایان مدتشان تمام کنید، چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد و نیز در آیه ۷ همان سوره ادامه داد: كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود؟ مگر با کسانی که کنار مسجدالحرام پیمان بسته‌اید. پس تا با شما بر سر عهد پایدارند، با آنان پایدار باشید، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می‌دارد. در معارف و حیانی توصیه شده که وقتی قراردادی بسته شود، نباید آن را شکست: وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند؛ و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایی‌اند؛ آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند. (۴) برخی آیات ضمن تأکید بر وفای به عهد، آن را در زمره‌ی امانت‌داری برشمرده‌اند. وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند (5).

در این آیات، خیانت در قراردادهای وفا نکردن به پیمان‌ها حتی درباره‌ی مشرکان روا دانسته نشده است! سنت پیشوایان معصوم در وفا به تعهدات: احادیث زیادی از رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه وجود دارد که مسلمانان را به پایبند ماندن در پیمان‌ها سفارش و از نقض معاهدات، نهی می‌کند. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در ایام حکومت‌داری، پیمان‌های متعددی با مخالفان خود بستند و تا آخر به پیمان‌های خود پایبند ماندند، مگر این که مخالفان آن را نقض کردند. این سیره نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نشان داد که رفتار دولت اسلامی با غیرمسلمانان در قراردادهای چگونه باید بنا نهاده شود. برای نمونه پس از امضای معاهده‌ی حدیبیه، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) تازه مسلمان‌هایی را که از شکنجه و

آزار قریش به سوی مدینه هجرت کرده بودند، برخلاف شوق باطنی، به سوی مکه باز گرداندند (ابن هشام، ۱۹۷۸). مولی الموحیدین امام علی (علیه السلام) در سفارشات حکومتی به مالک اشتر، وفای به عهد و التزام به پیمان‌های سیاسی و نظامی را مهم خوانده، از شکستن آن نهی می‌کنند: اگر میان تو و دشمنت پیمانی بسته شد یا تعهد کردی که به وی پناه دهی، جامه وفا را بر عهد خویش بیوشان و تعهدات خویش را محترم بشمار و جان خویش را سپر تعهدات خویش قرار ده، زیرا هیچ یک از فرایض الهی نیست که همچون وفای به عهد و پیمان مورد اتفاق مردم جهان با همه اختلافی که دارند باشد، حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، زیرا عواقب پیمان‌شکنی را آزموده بودند. پس هرگز پیمان‌شکنی مکن و در عهد خود خیانت روا مدار ... هرگز نباید در تنگناها، که تو را به پیمان‌شکنی می‌خوانند، به نقض پیمان روی آوری، زیرا شکیبایی در تنگناها، که امید گشایش و پیروزی در عاقبت آن داری، بهتر از پیمان‌شکنی و خیانتی است که مجازات الهی را در پی دارد (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

### دیدگاه فقها

نظر فقیهان شیعه در این مسئله، عدم جواز نیرنگ با طرف مقابل و به تبع آن لزوم وفای به عهد تا پایان قرارداد است. مرحوم علامه حلی در تحریر الاحکام می‌فرماید: «اذا عقد الامام الهدنه وجب علیه الوفاء بما عقده ما لم ینقضه المشرکون». «هرگاه امام با مشرکین قرارداد ترک نبرد امضا کند واجب است تا هنگامی که مشرکین آن را نقض نکرده‌اند به آن پایبند باشد» علامه حلی در ادامه، این روایت را از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می‌کند: «من کان بینه و بین قوم عهد فلا یشدّ عقده و لا یحلّها حتی ینقضی او ینبذ الیهم علی سواء» (۶)؛ هر که با گروهی پیمان ببندد، پس باید آن را بر هم نزند و نقض ننماید تا مدت آن سپری یا از سوی طرف مقابل، نقض شود (سبزواری، ج ۲ ص: ۶۲). البته این روایت عامی است، (۷) ولی اصل مطلب بی‌نیاز از استدلال و روشن است که نقض عهد بدون دلیل، از محرمات است.

### تزام حکم لزوم رعایت قراردادها با وجوب دفاع

گاه پس از امضای قراردادی، با گذشت زمان، شرایطی پیش می‌آید که رعایت مفاد قرارداد برای اسلام ضرر به همراه دارد، به گونه‌ای که ادامه آن نظام اسلامی را در مخاطره قرار می‌دهد. گاه هم متوجه می‌شوند که از آغاز طرف مقابل، با حیله و تزویر و با اطلاع از وضعیت قراردادهای بین‌المللی شیطنت نموده، قرارداد را به نحوی تنظیم کرده که در ادامه برای اسلام و مسلمین ضرر دارد. در این شرایط خاص، اگر ضرر به گونه‌ای باشد که تحمل آن برای نظام اسلامی ممکن نبوده، آن را در معرض خطر قرار می‌دهد، نقض آن قرارداد جایز و در



### ایجاد آمادگی برای اقدام روانی دشمن در فرض لغو قرارداد

باید پذیرفت که طرف مقابل به سهولت شکستن و نقض قرار را نخواهد پذیرفت و برای پایبند ساختن کشور اسلامی به مفاد قرارداد، ما را در تنگنای تبلیغاتی و تهاجم روانی قرار خواهد داد و با سیاه‌نمایی، مظلوم‌نمایی، بزرگ‌نمایی و تحریک افکار عمومی علیه نظام، موجب فتنه و ضررهایی خواهد شد. از این‌رو، لغو قرارداد باید همراه با زمینه‌سازی روانی و در دست گرفتن ابتکار عمل در این باره باشد که تأثیر تهاجم روانی آن‌ها را به حداقل برساند. حتی اگر توان مقابله روانی نظام و زمینه‌سازی برای لغو قرارداد به گونه‌ای نیست که با موفقیت همراه باشد و لغو قرارداد موجب بی‌آبرویی نظام اسلامی گشته، آن را بی‌تعهد و غیر پایبند به قول و قرارها نشان دهد، در این صورت لغو قرارداد غیر جایز و بلکه باید با تحمل ضرر به اجرای مفاد قرارداد راضی شد.

### اولویت حفظ آبروی نظام

طبق موازین فقهی، عملیات روانی در صورتی مجوز دارد که برای حفظ نظام اسلامی ضروری باشد، اگر انجام کاری برای حفظ مصالح یا حتی اصل نظام ضروری به نظر برسد، اما موجب از دست رفتن آبروی نظام باشد؛ در این صورت آن عمل رها می‌شود و باید متوقف گردد؛ زیرا حفظ آبروی نظام مقدم بر اصل نظام است. گو این‌که تصور این مطلب در واقع بسیار مشکل است، اما در ظاهر می‌توان برای آن مصادیقی را از سیره اهل بیت (علیه‌السلام) بیان کرد. از جمله آن صبر با عظمت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برابر هجوم به خانه ایشان و ترک شکوهمندانه مقاومت مسلحانه است. شاید اگر مولا علی (علیه‌السلام) دست به شمشیر می‌بردند، می‌توانستند مهاجمان را از خانه بیرون کرده، مانع وارد آمدن لطمه‌ی منجر به شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حتی موفق به گرفتن قدرت از دست طرف مقابل شوند، اما در این صورت افکار عمومی مدینه در اختیار ایشان نبود. بلکه افرادی با عملیات روانی، ایشان را فردی مستبد معرفی می‌کردند. که برای رسیدن به قدرت دست به خون اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آغشته ساخته، خون بی‌گناهان را ریخته است. در نتیجه در طول تاریخ کسی به ایشان به عنوان مقتدا و پیشوا مراجعه نمی‌کرد و نظام اسلامی برای همیشه نابود می‌شد.

امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در این جملات به خوبی چنین وضعی را تبیین کردند: «هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم‌السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب، آن قدر آماج حملات و کینه‌ها گردند و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد

اسلام متبلور است. مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کاری مشکل است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند» (امام خمینی، ص: ۲۱).

بر این اساس، می‌توان این اصل را ادعا نمود که هرگاه انجام امری برای تقویت نظام اسلامی مفید باشد اما اجرای آن موجباتی را فراهم آورد که دشمنان از آن برای وارد کردن خدشه به آبروی نظام اسلامی سوءاستفاده کنند و در عمل، نتوان افکار عمومی را نسبت به اجرای آن توجیه نمود، باید آن عمل ولو به طور موقت، متوقف شود؛ مانند اجرای حدود و قصاص در ملأ عام یا رسانه‌ای ساختن آن در وضعیت تبلیغاتی کنونی که دشمن به جوسازی‌های همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌کند، در این تبلیغات این گونه ادعا می‌شود که در ایران اختناق سیاسی حاکم است؛ مخالفین به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند؛ هر کسی با نظام اعلان مخالفت کند مجازات مرگ دارد. آنان کشتار در ایران را امری روزمره نشان می‌دهند، دلیل آنان برای این یاهه‌گویی‌ها تنها پخش تصاویر اعدام‌هایی است که به خاطر اجرای قانون قصاص و یا اجرای حدود اعمال می‌شود. امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) بارها و بارها بر لزوم حفظ آبروی اسلام و اهمیت آن تأکید می‌ورزیدند. در موردی فرمودند: ایرانیان مقیم خارج باید حافظ آبروی ایران باشند. از اموری که باعث تأسف من است... جوان‌هایی که در اینجاها هستند گاهی در دکان‌ها، در مؤسسات دولتی ... یک تخلفاتی می‌کنند، به حجت این که خوب اینها مال ما را خوردند. پس ما هم مال آنها را. این صحیح نیست... اگر از شماها یک مطلب خیانتی ببینند، عمومیت به ملت ایران می‌دهند. این طوری است [که می‌گویند] دزدند ملت ایران، یا مسلمان‌ها این جوری هستند! از این جهت باید خیلی این جهات را ملاحظه کنید... ولو جایز هم بدانید که مال این مؤسسه را بردارید، برندارید. تحرز کنید از این معنی برای این که حفظ آبروی خودتان و حفظ آبروی اسلام و حفظ آبروی ملت لازم است. اگر در یک جایی که- مثلاً- می‌روند این جوان‌ها، در آنجا سوار اتومبیل می‌خواهند بشوند یا سوار طیاره بشوند یا قطار بشوند، بلیت‌ها را- مثلاً- تخلف بکنند و تقلب در آن بکنند، این با حیثیت انسانی یک ملت دارند بازی می‌کنند. این‌ها را شما با رفقای‌تان سفارش کنید که احتراز کنند از این مسائل؛ و این حجت که آنها مال ما را خوردند پس ما هم مال آنها را بخوریم، این حجت درست نیست، صحیح نیست. شما باید حفظ حیثیت ملت خودتان را، حفظ حیثیت اسلام را بکنید. تخلفاتی که موجب هتک یک ملتی است هرگز نکنید؛ ولو جایز هم بدانید نکنید؛ ولو یک کسی هم هست به شما ظلم بکند، شما باز تقلب- چیزی که اسمش تقلب می‌گذارند، اگر کشف بشود پلیس آن را تقلب می‌داند- یک همچو کاری هرگز نکنید (امام خمینی، ج ۵، ص: ۲۱۹).

بیانات حکیمانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی (رحمة الله علیه) اگرچه درباره‌ی انجام دادن اموری کوچک است، اما آنچه به عنوان قاعده کلی بیان می‌فرمایند همان اهم بودن حفظ آبروی اسلام و نظام اسلامی است. این عبارت که «ولو یک کسی هم هست به شما ظلم بکند یعنی حق با شماست و شاید احساس کنید عنوان دفع ظلم واجب است، اما اگر بی‌آبرویی اسلام را در پیش دارد، باید خودداری کنید». حضرت امام در مورد دیگری نیز در اهمیت حفظ آبروی اسلام می‌فرمایند: ما تاریخ اسلام پیش‌مان هست و می‌بینیم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بعضی از جنگ‌ها شکست خورده. در مکه هم که بوده است دائماً در انزوا، و بدون اینکه بتواند یک کاری انجام بدهد. گاهی حبس بوده است توی آن غار... مدینه هم که تشریف آوردند، البته نهضت را پیش بردند، لکن [در] ابعضی جنگ‌ها شکست خورد. حضرت امیر (سلام الله علیه) هم در جنگ با معاویه شکست خورد. یعنی شکستی که از لشکر خودش، از آن اشخاص نادان مقدس‌مآب شکست خورد. حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد و کشته شد، اما پیروزی نهایی را داشتند آن‌ها. مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن. دشمنشان را عقب زدند. معاویه و بساط معاویه را که می‌خواست اسلام را به صورت یک امپراتوری درآورد [او] برگرداند به زمان جاهلیت، و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آن‌هاست تا ابد، لعن خدا هم بر آن‌هاست و آن‌ها خودشان محفوظ بودند. ما هم اگر چنانچه این‌طور شکست بخوریم، افتخاری است برایمان و اشکالی هم برایمان نیست، که همان طوری که مجاهدین صدر اسلام شکست می‌خوردند، ما هم شکست بخوریم. این نهضتمان پیش می‌رود و آبروی اسلام محفوظ می‌ماند. تا آخر هم محفوظ می‌ماند. اما اگر حالا که ما مدعی این هستیم که انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی است و امثال ذلک، و ما در این جمهوری اسلامی شکست بخوریم به [این] عنوان، [شکست ما] یعنی شکست مکتب، یعنی گفته بشود که رژیم طاغوتی عوض شده یک رژیم طاغوتی دیگر آمده [این خطرناک است] که دشمن‌های ما هم همچو نیست که اکتفا کنند به اینکه مثلاً، فلان کمیته خلاف کرده است، فلان دادگاه خلاف کرده، این را می‌آورند روی اینکه آخوندها اینجوری‌اند، به این هم اکتفا نمی‌کنند که روحانیین اینجوری‌اند، اینها با اسلام مخالفند. می‌گویند اسلام هم همان بود. اسلام هم همان مثل رژیم‌های دیگر است. رهبر معظم انقلاب اسلامی همه اقشار مردم را به حفظ حیثیت نظام فرا می‌خوانند و می‌فرمایند: به همه اقشار مردم ایران توصیه می‌کنم که قدر حیثیت اسلامی و آبروی سرشار انقلاب خود را بدانند و سعی کنند آن را حفظ کنند. اسلام به ملت و کشور ما خیلی عزت و شخصیت داده است. جا دارد که هرچه در توان داریم، از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنیم (۷ تیر ۱۳۶۸). معظم له با اشاره به لزوم حفظ حیثیت کلان نظام می‌فرمایند: «امروز، حفظ حیثیت و آبروی انقلاب و نظام اسلامی و حفظ وحدت، بر همه واجب است» (۱۱ مهر ۱۳۶۹).

### 3. مرز جدایی عملیات روانی مشروع از افشای اسرار؛

#### اصل اولی: حرمت تجسس؛

کنجکاوی در یافتن کاستی‌ها یا نقاط ضعف اشخاص و افشای اسرار فی‌نفسه در صورت عدم رضایت آن‌ها حرام است. قرآن کریم در این باره فرموده: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ"؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است. (۸) در آیه‌ی دیگری از افشای اسرار و حتی زشتی‌های دیگران، نهی شده است: "إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"؛ کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خدا [است که] می‌داند و شما نمی‌دانید. (۹) امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در ابلاغ حکومتی خود به مالک اشتر به وی توصیه فرمودند که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاوی نکند و تا حد ممکن خطابخش و جرم‌پوش باشد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: "من انب مؤمنا انبه الله عزوجل في الدنيا و الآخرة"؛ هر کسی سرزنش کند مؤمنی را خدای عزوجل در دنیا و آخرت او را سرزنش خواهد کرد.

#### ممنوعیت افشای اسرار در قوانین

در اصل ۲۵ قانون [انواع تجسس](#)، از جمله ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی و استراق سمع، ممنوع دانسته شده است. در قوانین موضوعه، اشخاصی که به مناسبت شغل و حرفه‌ی خود اسرار دیگران را به دست می‌آورند، اگر افشای اسرار کنند، مرتکب جرم شده‌اند. اگر قرار باشد پزشک یا هر شخص دیگری که از اسرار مردم آگاه می‌شود آن را به دیگران بازگو کند، موجب هرج و مرج و بی‌اعتمادی مردم می‌شود. در قانون مجازات اسلامی، پزشکان، جراحان، ماماها و داروفروشان و همه‌ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند، از سه ماه و یک روز تا یک سال حبس محکوم می‌شوند. افزون بر این، طبق ماده‌ی ۲۳ قانون مطبوعات، توهین، افترا و هتک حرمت از اشخاص و انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا [فحش و الفاظ رکیک](#) نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌شود.

ماده‌ی ۱۴۰ قانون تعزیرات در این خصوص مقرر می‌دارد: هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار

آن‌ها یا با درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع به کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود، نسبت دهنده مفتری خواهد بود مشروط بر این‌که نتواند صحت آن اسناد را ثابت کند. مجازات مفتری جز در مواردی که حد تعیین شده، تا ۷۴ ضربه شلاق است. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در فرمان هشت ماده‌ای خود، خطاب به دستگاه‌های قضایی، در مورد حقوق مردم و قوانین، می‌فرماید: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخص بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا به دنبال اسرار مردم باشد و از گناهان غیر تجسس کند یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان، از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد. (۱۰) حرمت تجسس در زندگی خصوصی افراد و دیگری حرمت تجسس، بر ضد نظام جامعه اسلامی مهم‌ترین مستثنیات حرمت تجسس آمده که عبارت است از:

### استثنای حرمت تجسس و افشا

هر چند طبق اصل اولی در تحقیق و افشای شخصی، مسائل خانوادگی یا اجتماعی، بر حرمت تجسس است، اما هنگامی که پای مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه به میان می‌آید، از تجسس و تفتیش‌گری نیست. زیرا نظام اسلامی باید از ترفندهای دشمنان خارجی و فعالیت‌های معارضان داخلی اطلاعات کافی کسب کند. در فقه، مواردی به عنوان استثنا از حرمت تجسس یا افشای اسرار، شمرده شده است. مانند: تحقیق در امر ازدواج، شهادت در نزد حاکم شرع، تفحص از اعمال و احوال صغار برای تربیت و اعمال سرپرستی آنان، رسیدگی به احوال محرومان جامعه، تفحص از عملکرد کارگزاران و مدیران ارشد، تجسس از رفتار و مواضع دشمنان خارجی و بدخواهان داخلی. همچنین در برخی موارد که تنها با تجسس می‌توان حقوق افراد را ادا نمود و از ظلم، جلوگیری کرد، تجسس، جایز شده است.

### تعارض حرمت افشای اسرار با وجوب دفع تهدیدات نرم

عملیات روانی در ذات خود به معنای استفاده از ابزار گمانی و خیالی و وارد شدن در منطقه ظن و گمان است تا با بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی موجب عقب‌نشینی طرف مقابل از مواضع شود. بر همین اساس، اجرای عملیات

روانی ما علیه دشمن بیرونی می‌تواند با افشای واقعیت‌هایی درباره او همراه باشد. اجرای چنین عملیاتی نقاط ضعف او را برملا می‌نماید و در نتیجه نیروهای او دچار تردید می‌شوند و منطقه را رها می‌کنند.

### عملیات روانی برای جلوگیری از نفوذ دشمن

گاه هدف از اجرای عملیات روانی، مقابله با جریان نفاق است. این امر زمانی روی می‌دهد که افرادی وارد سیستم خودی شده، به دنبال رسیدن به قدرت و ضربه زدن از طریق نفوذ در لایه‌های مهم مدیریتی یا قرار گرفتن در رده‌های بالای مدیریتی باشند. این افراد را با ابزار معمولی نمی‌توان از مدار خارج کرد، بلکه نفوذ آن‌ها در حدی است که رده‌های تصمیم‌گیرنده درباره حضور یا حذف آن‌ها دچار تردید می‌شوند و گاه نظر مساعد دارند. حتی ممکن است سیستم‌های امنیتی هم اطلاعاتی از برنامه نفوذ چنین افرادی داشته باشند، اما نمی‌توانند درک خود را از وضعیت با اطلاعات و اخبار معمولی به افراد تصمیم‌گیرنده انتقال دهند یا شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توانند حساسیت‌ها را منتقل کنند. در این وضعیت، برای انتقال حساسیت‌ها چاره‌ای غیر از به کارگیری ابزار عملیات روانی همانند بزرگ‌نمایی، ایجاد جو تشویش همراه با تأکید بیش از اندازه و امثال آن ندارند. البته این عملیات روانی نیست، بلکه اطلاع رسانی است و دروغی را در پی ندارد تا عنوان مُحَرَّم بر آن صادق باشد. با کمی تأمل در می‌یابیم که در حقیقت این اقدام، بزرگ‌نمایی نیست، بلکه بیان بزرگی و حساسیت است، گو اینکه در اصطلاح آن را عملیات روانی نام دهند.

### مرز عملیات روانی برای کاهش فشار افکار عمومی

گاه عملیات روانی برای کاستن از فشار افکار عمومی است. یعنی افکار عمومی به گونه‌ای است که تأیید کردن و وانمود کردن نسبت به ادامه اعتماد بر آن فرد را بر مسئولان تصمیم‌گیرنده الزامی می‌کند. در چنین وضعی اگر افکار عمومی کنترل نشود به اجبار باید عامل نفوذی را تأیید نمود و برای کاهش و زدودن خطر وی، باید افکار عمومی را در این باره آماده کرد. در این وضعیت، نیازمند عملیات روانی هستیم. در این صورت افشاگری نسبت به اقدامات پنهان آن فرد حتی در چارچوب شایعه‌پراکنی و گسترش اخبار غیر مستند می‌تواند راهی مناسب باشد، اما این در صورتی است که به موارد محرّمه شرعی منجر نشود. یعنی مستلزم دروغ فاحش، افشای اسرار نظام یا بی‌آبرو شدن آن نباشد. افرادی که در لایه‌هایی از نظام مشغول بوده و اکنون مصمم به حذف آن‌ها به دلیل ناهنجاری‌ها یا ارتباطات آن‌ها با بیگانه هستیم، اگر بیان واقعیت‌های مربوط به آن‌ها در دوران خدمت موجب افشای اسرار نظام و در نتیجه وارد شدن ضربه بر اصل نظام یا آبروی آن باشد، در این صورت باید اهمیت آن به اطلاع حاکم برسد تا او شرایط را بررسی کند، اگر حاکم تشخیص دهد افشای اسرار، مرجوح است، ترک می‌شود. اما افشای اسرار نظام اسلامی در صورتی که موجب ضعف و سستی در نظام یا امکان بهره‌برداری دشمن از آن یا خدشه در آبروی نظامی اسلامی شود، حرام است و اگر عناوینی که موجب

حرمت است، در مقابل عنوان موجود در افشاگری علیه چهره منافق و نفوذی مرجوح باشد، در این صورت عملیات روانی همراه با افشای اسرار نظام بلامانع می‌شود و اگر راجح باشد، نمی‌توان اقدام کرد.

#### 4. عملیات روانی برای نهی از منکر

##### شرایط وجوب نهی از منکر

نهی از منکر، زمانی واجب می‌شود که شرایطی وجود داشته باشد. از جمله شرایط وجوب، این است که نهی کننده، منکر را بشناسد؛ احتمال تأثیر دهد؛ مخاطب را مصرّ بر گناه بیابد و نهی کردن، منجر به مفسده‌ای همچون ضرر مالی و جانی نشود.

##### افشای اسرار از مراتب نهی از منکر

نهی از منکر مراتبی دارد و از موارد پایین‌تر تا شدیدتر پیش می‌رود. در همین راستا، اگر نهی از منکر نیازمند زمینه‌سازی برای اثرپذیری گنهکار از نهی باشد، باید زمینه‌سازی کرد. یکی از این زمینه‌سازی‌ها سخت کردن شرایط برای انجام منکر در جامعه از راه فشار افکار عمومی بر گنهکاران است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به این مرتبه از نهی از منکر می‌فرمایند: تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است... نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلافکار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست (۲۲) تیر (۱۳۷۱) (۱۱).

تأثیر امر و نهی زبانی - اگر انجام گیرد - از تأثیر مشت پولادین حکومت‌ها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عده‌ای این کار را می‌کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷). (۱۲) اما زمینه‌سازی برای تأثیرپذیری گنهکار نباید مستلزم انجام حرام شود. خواندن آیات عذاب الهی و به کارگیری موعظه در تحریک احساسات و رام ساختن نفس سرکش در برابر خدا بسیار مطلوب و گاه واجب است. در صورتی که شخص در برابر این گونه اقدامات نیز مقاومت نشان داده به انجام منکر ادامه دهد، چنانچه تحقیر او در برابر دیگران نسبت به معصیتی که به صورت علنی مرتکب شده او

را از ادامه معصیت باز دارد، می‌توان او را تحقیر کرد؛ زیرا با انجام آن گناه حرمت خویش را شکسته، تحقیر او با این گناه دیگر شکستن حرمت او محسوب نمی‌شود و همانند غیبت است که اگر کسی گناهی علنی را مرتکب شود می‌توان آن را برای دیگران بیان کرد اما اگر کسی مرتکب گناهی است که دیگران از آن اطلاعی ندارند بیان آن برای دیگران غیبت حرام است. اما اگر عملیات روانی به موارد محرمة بینجامد جایز نیست مانند این که در نهی از منکر دچار دروغ شده، ایراد تهمت یا سایر موارد ممنوع شرعی را مرتکب شویم، در این صورت نهی از منکر به ضد خود یعنی عمل به منکر بدل می‌شود. خدای متعال می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا"؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (13).

رعایت عدالت در انجام امور واجب است حتی اگر طرف مقابل در بی‌عدالتی باشد. البته اگر منکر به نحوی است که نظام و مسلمان‌ها را در خطر قرار داده، راهی برای جلوگیری از آن نیست مگر اجرای عملیات روانی و در حقیقت منکر از کاری ساده و فردی فرارفته و مبدل به هجوم علیه کیان اسلام و مصالح مسلمین گشته در این صورت به دلیل انطباق عنوان هجوم بر اسلام دفع آن واجب است که اگر دفع آن متوقف بر عملیات روانی باشد، در این صورت باید با رعایت جوانب مختلف و رعایت ضرورت‌ها و حداقل‌ها آن را انجام داد.

### نتیجه‌گیری

آنچه با عنوان یا جنگ نرم یا عملیات روانی مطرح می‌شود در ادبیات غرب بیشتر به قدرت نرم شناخته شده است که زیربنای فکری آن نخستین بار از سوی جوزف نای به شکلی علمی مطرح شد. مهم‌ترین حوزه‌ی اعمال و اثرگذاری قدرت نرم بر طرف مقابل، حوزه‌ی رسانه است. بهره‌گیری از رسانه‌ها و امکاناتی که فرد را قادر می‌سازد تا برای اثرگذاری بر طرف مقابل، به اعمال قدرت بپردازد و جنگ روانی را به دنبال داشته باشد. اما اگر بخواهیم تعریفی از عملیات روانی و جنگ نرم ارائه دهیم، می‌توان گفت: "هر حرکتی که گاه به عنوان مقدمه‌ی جنگ نظامی طرح می‌شود و روحیه‌ی طرف مقابل را هدف گرفته است". بنابراین تمام برنامه‌ریزی‌هایی که در این چارچوب باشد، جنگ نرم تعریف می‌شود. عرصه‌های جنگ نرم می‌تواند متنوع و وسیع باشد. اما برای جلوگیری از بسط مطلب سعی خواهد شد آن را در دسته‌بندی محدودتری یا به عبارتی کلی‌تری

ارائه

با این توضیح، عرصه‌های جنگ نرم را می‌توان در پنج دسته تقسیم کرد. عرصه‌های:



-سیاسی

-اقتصادی

-فرهنگی

-اجتماعی

-علمی

همچنین ذهنی و غیرمحسوس بودن، تدریجی بودن، ابهام‌آمیز بودن، غلبه بعد فرهنگی جنگ، پُرشمول و فراگیر بودن، عمق تأثیر، پیچیدگی بودن، بین رشته‌ای بودن، عمدی بودن، شمول گسترده‌ی بازیگران و تأکید بر روش‌های غیرخشونت‌آمیز را می‌توان از ویژگی‌های جنگ نرم برشمرد.

ابزارهای جنگ نرم را می‌توان به این شرح تقسیم کرد:

جنگ- رسانه‌ای

جنگ- اطلاعاتی- روانی

تهاجم- فرهنگی

براندازی- نرم

حکومت اسلامی و آحاد مسلمانان موظف‌اند که برای دفع تجاوز دشمن از کیان اسلامی و حفظ مال و جان و آبرو و باورهای مسلمانان اقدام کنند و تهدیدهایی را که متوجه آنان است، رفع کنند. در این تکلیف متناسب با حمله و تهدید، دفاع فیزیکی یا تبلیغی و اطلاع‌رسانی را در بر می‌گیرد. در این میان، اگر دفاع به اضطرار منجر به ایراد ضرر به برخی از مسلمانان شود، باید از محل مخارج بیت‌المال جبران شود. التزام به تعهدات بین‌المللی واجب است، مگر این‌که با گذشت زمان رعایت مفاد قرارداد ضرری را متوجه اسلام کند و تداوم نظام اسلام را به مخاطره افکند. همچنین اگر مکشوف گردد که طرف مقابل از ابتدا با حيله و تزوير و با

سوءاستفاده از مفاد قراردادهای بین‌المللی، تعهدی را بر نظام اسلامی تحمیل کرده که تحمل آن میسر نیست، نقض قرارداد جایز بلکه واجب است. با وجود این، باید زمینه‌ی شکستن و نقض قرارداد تمهید شود تا بستر سیاه‌نمایی نظام اسلامی فراهم نیابد. تقدم حفظ آبروی نظام بر حفظ مصالح یا حتی اصل نظام از احکامی است که مصادیقی چند از سیره‌ی اهل بیت (علیه‌السلام) می‌توان بر آن اقامه کرد. بر این اساس، حتی اجرای حدود را می‌توان متوقف ساخت، اگر دستاویزی از سوی دشمنان علیه آبروی نظام شود. کنجکاو‌ی در یافتن کاستی‌ها یا نقاط ضعف اشخاص و افشای اسرار فی‌نفسه در صورت عدم رضایت آن‌ها حرام است. چنانچه امیرمومنان (علیه‌السلام) در ابلاغ حکومتی خود با مالک اشتر به وی توصیه کردند که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاو‌ی نکند و تا حد ممکن خطاب‌بخش و جرم‌پوش باشد. ممنوعیت افشای اسرار از مضامینی که در قانون مورد توجه قرار گرفته است. اصول ۲۵، ۲۳ و ماده‌ی ۱۴۰ قانون تعزیرات حدود آن را مشخص نموده است. ولی، هنگامی که مسئله‌ی مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه طرح شود از تجسس و تفتیش‌گریزی نیست. در این خصوص، اجرای عملیات روانی علیه دشمن می‌تواند با افشای واقعیت‌هایی درباره‌ی او همراه باشد. برای مقابله با جریان نفاق که سعی می‌کند وارد سیستم خودی شده، یا نفوذ در لایه‌های مهم مدیریتی به نظام اسلامی ضربه بزند، چاره‌ای غیر از به کارگیری ابزار عملیات روانی وجود ندارد. جریان نفاق گاه چنان افکار عمومی را در اختیار می‌گیرد که مسئولان، ناگزیر از تظاهر به اعتماد بر آن فرد یا افراد می‌شوند. در این حال، اجرای عملیات روانی با انجام افشاگری نسبت به اقدامات پنهان آن‌ها در قالب شایعه‌پراکنی و گسترش اخبار غیر مستند البته با رعایت مواد محرمه شرعی که آبروی نظام را به خطر نیندازد، مشروعیت می‌یابد. هنگامی که شرایط نهی از منکر محقق شود انجام آن واجب می‌گردد. در صورتی که استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی، در هدایت شخص گمراه مؤثر واقع شود می‌توان از آن بهره برد. اما اگر عملیات روانی به انجام مواد محرمه بینجامد به کارگیری آن صحیح نیست. آموزه‌های قرآنی به جنگ نرم در حوزه‌ی دشمن‌شناسی و مقابله با دشمن، توجه داشته است. آیات بسیاری به این مسئله از دو زاویه‌ی مختلف نگریسته است؛ به این معنا که اگر دشمن برخی از سازوکارهای جنگ روانی را در جنگ نرم به کار می‌گیرد، جامعه‌ی اسلامی نیز در دفاع و مقابله با دشمن می‌باید از همه‌ی امکانات بهره گیرد و در جنگ نرم، به حکم مقابله به مثل؛ «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و اتقوا الله و اعلموا ان الله مع المتقین» عمل نماید (بقره/۱۹۴). راه‌های مقابله با جنگ نرم در اسلام عبارت از دو راهکار نرم (اصل استماع، اصل تبیین، اصل تولی و تبری، اصل عدم دوستی با کفار راهبرد وحشت و اصل عدم وابستگی) و راهکار سخت (اصل ارتداد، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل برخورد با شبهه افکنان) است. مصادیق جنگ نرم در صدر اسلام را می‌توان در جنگ‌های بدر، احد، احزاب، تبوک، حدیبیه، حنین، جمل، صفین و... جستجو نمود و در تاریخ پس از صدر اسلام می‌توان به جنگ اندلس اشاره کرد. در مقطع جمهوری اسلامی ایران نیز حوادث فتنه‌های اوایل

انقلاب، فتنه‌ی کوی دانشگاه و فتنه‌ی سال ۱۳۸۸ را می‌توان از مصادیق عملیات روانی و جنگ نرم را برشمرد.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- اعراف، آیه ۸۵.
- 2- اسراء، آیه ۳۴.
- 3- مائده، آیه ۱.
- 4- بقره، آیه ۱۷۷.
- 5- مؤمنون، آیه ۸ و معارج، آیه ۳۲.
- 6- تحریر الحکام، علامه حلی، ج ۲، ص: ۲۲۴.
- 7- رواه أحمد و أبو داود و ترمذی.
- 8- حجرات، آیه ۱۲.
- 9- نور، آیه ۱۹.
- 10- صحیفه‌ی نور، ج ۱۷، ص ۱۴۰.
- 11- بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور در سالروز شهادت امام سجاد (علیه‌السلام)، ۲۲ تیر ۱۳۷۱.
- 12- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.
- 13- نساء، آیه ۱۳۵.

### منابع

#### تحقیق:

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه.
- وصایای امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه).
- تحریر الحکام، علامه حلی، ج ۲، ص ۲۲۴.
- ابن هشام (۱۹۷۸)، السیره النبویه، قاهره، مکتبه الکلیات الذهبی، ج ۳.
- ابن اثیر، الکامل، ج ۲.
- بیانات مقام معظم رهبری، در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.
- بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور در سالروز شهادت امام سجاد (علیه‌السلام)، ۲۲ تیر ۱۳۷۱.

- لاین برگر، جنگ روانی، ترجمه گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ملاهادی سبزواری، شرح الأسماء الحسنی، مکتبه بصیرتی، ج ۲.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته وحدت، ۱۱ مهر ۱۳۶۹.
- سخنرانی مقام معظم رهبری، در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم استان، ۷ تیر ۱۳۶۸.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحارالانوار، ج ۱۱.
- وردی‌نژاد، فریدون، جزوه افکار عمومی، دانشکده خیر.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، چ دوم.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۲)، تفسیر نورالثقلین؛ مؤسسه اسماعیلیان، قم، ط  
الرابعه، ج ۱.
- باقری، علی (بی‌تا). کلیات مبانی جنگ و استراتژی، بی‌جا: مرکز نشر بین‌المللی.
- نمازی، اسماعیل، ربابه (۱۳۶۸)، استراتژی اسرائیل، تهران: نشر سفید.
- رنشون، استانی، روانشناسی سیاسی جنگ خلیج فارس، ترجمه جلیل روشندل.
- مازندرانی، محمدصادق، شرح اصول الکافی، ج ۱۲.
- حسینی، حسین، مجموعه مقالات تبلیغات و جنگ روانی، دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، حماسه حسینی، سه جلد، چاپ چهارم، تهران: صدرا.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، جواهرالکلام، دارالکتاب الاسلامیه، تهران.

#### منبع مقاله:

- نورمحمدی، مهدی؛ (۱۳۹۵)، اطلاعات و قواعد فقهی؛ مباحث کاربردی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، چاپ اول.